

## نقش وکیل در اجرای عدالت

پس از بپایان رسانیدن دانشکده حقوق دودل بودم که بخدمت دادگستری درآیم یا بکار وکالت بپردازم. سرانجام با دوست جهاننیده و صاحب نظری به مشورت نشستیم و از هر دری گفتگو کردم. سخن به آنجا رسید که از او پرسیدم در کشورهایی که به خاطر تربیت ملی و نظم عمومی کمتر اتفاق می افتد که مردم با دادگستری سروکار پیداکنند و به دخالت وکلاء نیازمند شوند آیا معاش وکلاء چگونه و از چه راه تأمین می شود؟

خندید و گفت در آن کشورها وکلاء از افراد پر درآمد اجتماع هستند و هنگامی که شگفتی و نا با وری مرادید توضیح داد که در دنیای پیشرفته نقش وکیل دادگستری تنها قبول دعاوی و تعقیب آن در دادگاه نیست بلکه هر انسان بالغ و مختار وکیل دارد و در هر کار از مشورت و دستور وکیل خود پیروی می کند و اعم از این که کاری به وکیل رجوع کرده باشد یا نه در هر ماه و یا در هر سال به تناسب درآمد خود حق المشاوره ای برای وکیل خود میفرستد.

با این حال وکیل دادگستری بدون این که ناگزیر باشد که تمام اوقات در دادگستری دنبال اوراق احضار و ابلاغ و محاکمه و اجرا و امثال آن برود، در دفتر کار خود مراجعات موکلین را بصورت علاج واقعه قبل از وقوع انجام میدهد. برای من این وصف خیال انگیزی بود که همواره در آرزوی تحقق یافتن چنین وضعی در وطن خویش بوده ام تا زمانی که اصول انقلاب شاه و ملت هر کدام در یکی از شئون حیاتی کشور استقرار یافت و انتظار میرفت که وضع وکالت دعاوی و نحوه استفاده مردم از دانش و تجارب وکلاء تغییر یابد و پیش از آنکه روابط حقوقی افراد بصورت دعوی و اختلاف تجلی کند با تدبیر وکلای طرفین حل و فصل شود.

مکرر از دادرسان با سابقه دادگستری شنیده شده که بیش از نیمی از دعاوی و اختلافات مدنی مولود عدم استفاده متداعیین از راهنمایی و مشورت اهل اطلاع و حقوق دانان است. این گونه ارباب رجوع بطور نا خود آگاه بطریقی سوق داده شده اند که سرانجام راهی جز مراجعه به دادگستری نیافته اند لذا مادام که روابط مالی و حقوقی مردم بدون استفاده از تجارب و اطلاعات مشاور حقوقی پایه گذاری می شود در وضع فعلی مراجعه کنندگان به دادگستری تغییری روی نمیدهد.

اسفانگیزتر آنکه برخی از دعاوی جاری دادگستری توسط همان افرادی که هیچگونه اطلاع و تخصصی نسبت به قوانین ندارند طرح می‌شود و بسادیده‌ام دادرسان دادگستری را که با اعتقاد به استحقاق يك طرف به علت آنکه ذیحق نتوانسته است دلایل حقانیت خود را با رعایت نظام دادرسی به دادگاه بموقع ارائه کند ناگزیر او را محکوم کرده و از حکومت خود بدان صورت رنج برده‌اند.

کانون وکلای دادگستری بمنظور تسریع در رسیدگی دعاوی از سالها پیش در مقام چاره اندیشی بوده و چندین بار بمنظور بهبود و تسریع جریان دادگستری پیشنهاد های اصلاحی برای رفع دشواریهای یاد شده به مقامات قضایی تقدیم نموده و الزامی شدن وکالت را در دعاوی مدنی خاطر نشان کرده است تا از این طریق نقش وکیل در جامعه متری امروز ایران نمایان شود و دعاوی مطروحه از آغاز در قالب صحیح پی‌ریزی گردد و به مقیاس قابل توجهی از گرفتاریهای دادرسان دادگاهها بکاهد و با اتخاذ این رویه در کشور ما هم راهی که ممالک راقیه پیموده و نتیجه صحیح از آن گرفته‌اند پیموده شود و از آثار آن بهره‌مند گردیم. دخالت وکیل در دعاوی مدنی بیش از آنچه محتمل است برای وکلاء سودمند باشد برای مردم و دستگاه عدالت نافع خواهد بود زیرا وکیل دادگستری علی‌الاصول دعوی غلط طرح نخواهد کرد و مادام که حقانیت ارباب رجوع و پیشرفت کار را احساس نکنند وکالت از کسی نمی‌پذیرد.

از این گذشته بر ارباب اطلاع پوشیده نیست که قسمتی از گرفتاریهای دادگاهها مربوط به مقررات احضار و ابلاغ است و با دخالت وکیل در دعاوی بعلمت مشخص بودن نشانی وکیل از این حیث مشکلی برای دادگستری باقی نخواهد ماند.

از دحام مردم در کاخ دادگستری و دادگاهها ناشی از مراجعه مستقیم اصحاب دعوی به دادگستری است و چون افراد عادی اطلاعی از قانون ندارند برای هر مطلب ساده ناگزیرند چندین بار به دادگستری رجوع کنند در صورتی که با دخالت وکیل لزوم مراجعه و حضور طرفین دعوی در دادگستری منتفی خواهد شد و قضات و کارمندان دادگستری فرصت بیشتری پیدا خواهند کرد که به وظایف قانونی خود بپردازند.

اینکه که دگرگونی ثمربخشی در همه مسائل اجتماعی ما پدید آمده است اقتضاد دارد قانون الزامی شدن وکالت که نشانه سیر ترقی جامعه ایرانی است موقوع قبول پیدا کند و چون در کانون وکلاء سازمان معاضدت قضائی وجود دارد و برای افراد بی‌بضاعت - که دعوی قابل پیشرفتی داشته باشند - وکیل معاضدتی انتخاب می‌نماید لذا تصور این که کسی هم بواسطه ناتوانی مالی از مراجعه به دادگستری و احقاق حق حرمان پیدا کند هرگز مصداق نخواهد یافت و باب عدالت به‌روی احدی بسته نخواهد شد.

عبدالحمید اردلان وکیل دادگستری